

بررسی مکتب تفسیر علمی از دیدگاه مفسران

اسمر جعفری*

غلامحسین اعرابی**

چکیده

قرآن کریم، کتاب هدایت بشر در همه اعصار است، برای بهره مندی از هدایت این کتاب آسمانی، لازم است که آیات آن به طور دقیق و صحیح فهمیده شود و تلاش علمی تمام مفسران در طول تاریخ، برای این فهم دقیق بوده است؛ هر مفسری در راستای توان علمی و تخصصی خود و نیز با توجه به معارف متنوعی که در قرآن آمده است، به تفسیر قرآن پرداخته و این خود سبب بوجود آمدن شیوه های مختلف تفسیری در طی قرون شده است. تفسیر علمی هم به عنوان یک روش تفسیری مستقل، مطمح نظر برخی از دانشمندان و مفسران فریقین بوده، گر چه در دهه های اخیر بیشتر مد نظر قرار گرفته است و می توان گفت تفسیر علمی قرآن، در مرحله تازه ای قرار گرفته و یکی از انواع رویکردها به قرآن است. البته مانند هر تلاش علمی دیگر، در این حوزه امتیازات و آفاتی دارد که لازم است با یک نگاه دقیق و منصفانه مورد بررسی قرار بگیرد.

واژگان کلیدی: مکتب، تفسیر، علم، روش های تفسیری، روش تفسیر علمی.

* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم و مدرس گروه معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان اراک
** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم

مقدمه

تفسیر علمی، یکی از گونه های تفسیری دوره معاصر است؛ اگر چه در آثار پیشینیان هم به طور کم و بیش یافت می شده، اما هیچگاه به صورت یک روش مستقل مطرح نبوده است و تا این اندازه شمول و اهمیت نداشته است.

این روش در دوره معاصر، خصوصاً برای نسل جوان و اهل علم، جاذبه فراوانی دارد. در این عصر با پیچیده شدن نیازهای بشر و تنوع ابزارهای فهم او، رویکرد مفسران به قرآن و دین تحول خاصی پیدا کرده است. از آنجا که بالغ بر ۱۰۰۰ آیه قرآن، به مسائل طبیعی اشاره دارد؛ فهم و تفسیر آنها بدون ارتباط منطقی با علوم تجربی مشکل خواهد بود و یا حداقل می توان گفت با نگاه علمی به دریافت های عمیق تر و متفاوتی در تفسیر آیات دسترسی یافت. از دیگر سو پیام های قرآن جهان شمول و جاودانه است و در هر دوره ای مردم آن عصر با توجه به نیازها و توانمندی های خود به تفسیر قرآن می پردازند. در عصر حاضر که عصر پیشرفت سریع علوم تجربی است، لازم است مفسران از این دریچه هم به تفسیر قرآن نظر داشته باشند و مطالبی را که به طور اشاره ای در قرآن آمده و یا کلیات آن طرح شده است را، با استفاده از قواعد دقیق تفسیری مورد بررسی قرار دهند و این نکته بر گرفته از این سخن امام صادق (ع) است که می فرمایند:

«خداوند قرآن را برای زمان خاصی قرار نداده است و برای مردم خاصی هم نازل نکرده بلکه قرآن در هر زمان و نزد همه مردم تا روز قیامت شاداب و زنده است». (بحار الانوار، ۱۴۰۳، ج ۲ ص ۲۸۱)

عده ای از مفسران خصوصاً در عصر حاضر به این نوع تفسیر روی آوردند و آثاری هم در این حوزه تألیف گردیده است؛ گرچه این تلاش های علمی عمدتاً با انگیزه های خیر خواهانه و کاملاً دینی صورت گرفته است، اما نمی توان ضرورت نقد و بررسی این روش علمی را نادیده گرفت. مقاله حاضر تلاشی است در این راستا و برای تحقق بخشیدن به این مهم، تا با نگاهی منصفانه و علمی این مکتب تفسیری را مورد مطالعه قرار دهد و ضمن بررسی ادله موافقان و مخالفان و امتیازات و آفات آن معیارهای صحیح و قابل قبول تفسیر علمی را بیان نماید.

تعریف تفسیر علمی

ارائه یک تفسیر دقیق از این روش بسیار مهم است، چه بسا با توجه به ارائه این تعریف دقیق، بسیاری از مخالفان این روش به صف موافقان بپیوندند؛ زیرا در بررسی ادله مخالفین، اینگونه بدست می آید که آنان با نوع خاصی از این روش تفسیری، مخالف هستند؛ که با آن تعریف دقیق که موافقان - البته معتدل - ارائه می کنند، مطابق نیست.

این اصطلاح از ۳ واژه تشکیل شده است: مکتب، تفسیر و علم.

در خصوص دو واژه اول، در کتاب های مختلف علوم قرآن و مکاتب تفسیری، فراوان بحث شده است. آنچه مهم است تبیین واژه علم است. برای علم، معانی مختلفی مطرح شده است که در مجموع، شامل هر گونه دانشی خواهد بود که از هر طریقی بدست آید، اما مراد از علم در این مکتب تفسیری خصوص علوم تجربی است که مبتنی بر تجربه حسی باشد، البته این به آن معنا نخواهد بود که ما بخواهیم علوم را منحصر به علوم تجربی نمائیم، بلکه از آن رو که اولاً این اصطلاح رایج در دنیا است برای علوم تجربی و ثانیاً کاربرد علم در مکتب تفسیری علمی، برای همین معنا اراده شده است.

تعاریف زیادی برای این شیوه تفسیری در کتابها و مقالات متعدد ارائه شده است، که از بررسی کامل این تعاریف چند مسئله مهم قابل طرح است:

۱- برخی از این تعاریف مراد از علم را کلیه علوم اعم از فلسفی، ادبی، عرفانی، اجتماعی و... می دانند در حالی که این موارد قابل تفکیک است و اتفاقاً هر کدام از این شاخه ها خود یک مکتب تفسیری خاصی است و طرفدارانی دارد مانند تعریفی که ذهبی و امین بکری ارائه می دهند. (۱۳۹۶، ج ۲ ص ۴۷۲؛ ۱۴۱۴، ص ۱۲۵)

۲- در برخی از این تعاریف استخراج علوم از قرآن تفسیر علمی نامیده شده و در این تعریف محوریت با علوم است، مانند تعریف امین بکری و عبدالسلام محتسب. (پیشین؛ ۱۴۰۲ ص ۲۴۷)

۳- برخی از این تعاریف به تطبیق و تحمیل نظریات علمی بر آیات قرآن اشاره دارد، نظیر تعریفی که امین خولی ارائه می دهد. (۱۹۶۱، ص ۲۸۷)

۴- برخی از این تعاریف میان یافته های قطعی و ظنی علوم تجربی فرق نگذاشته است، نظیر آنچه از سوی فخر رازی در مفاتیح الغیب و طنطاوی در الجواهر به کرات صورت گرفت.

ما از میان تعاریف موجود سه تعریف را که به نظر دقیقتر و روشنتر است، برگزیده ایم که البته ما حاصل هر سه تعریف، یک مقصود است.

۱- آشکار کردن معنا و مقصود آیات علمی قرآن، به کمک دانش های تجربی یا به تعبیری جایز یا لازم بودن استفاده از دانشهای تجربی برای فهم و تفسیر معنا و مقصود آیات. (بابایی، ۱۳۹۱، ج ۳ ص ۳۱۵)

۲- استخدام علوم در فهم بهتر آیات قرآن، یعنی منبع علوم تجربی قطعی به عنوان ابزاری برای تفسیر و توضیح اشارات علمی قرآن در آید و تمام ضوابط و معیارهای صحیح تفسیر پذیرفته شود و هیچ تحمیل و استخراجی صورت نگیرد. (رضایی اصفهانی، ۱۳۷۵، ص ۲۷۴)

۳- این تفسیر در اصل برای شرح و توضیح اشارات قرآنی است که، به عظمت آفرینش الهی و تدبیر بزرگ و تقدیر او اشاره دارد. (عک، ۱۴۱۴، ص ۲۱۷)

معیارهای درست و معتبر برای این شیوه تفسیری و بایدها و نبایدهای آن

با توجه به تعاریف ارائه شده می توان گفت یک تفسیر علمی مقبول و معتبر باید شرایط ذیل را داشته باشد:

- ۱- در این شیوه تفسیری تحمیل و یا تطبیق یافته های علمی بر قرآن، ممنوع است.
- ۲- از علوم ظنی و فرضیه های غیر معتبر، برای فهم آیات قرآن نباید استفاده کرد.
- ۳- این تفسیر فقط در خصوص آیاتی است که اشارات علمی دارد و شامل همه آیات قرآن نمی شود.
- ۴- علوم تجربی باید ابزار و وسیله فهم درست آیات باشد و آیات قرآن محور و اصل قرار بگیرد.
- ۵- تمامی معیارها و قواعد تفسیر صحیح رعایت شود.
- ۶- تفسیر علمی با مطالب شرعی و سایر آیات قرآن، مخالف نباشد.
- ۷- از این اصل که قرآن کتاب هدایت است غفلت نشود و تعلیم و تعلم علوم از قرآن هدف نباشد.
- ۸- به اخبار و احادیث تفسیری توجه شود و صحیح و ضعیف آنها شناخته شود.

در پایان این بحث، مناسب است برای تأیید آنچه در بحث باید و نبایدها گذشت، به سخنانی از محمد مصطفی مراغی شیخ جامع الازهر و از علمای بزرگ مصر استناد کنیم که، در مقدمه کتاب «اسلام و الطب الحديث» تألیف عبدالعزیز اسماعیل می گوید: من نمی خواهم بگویم که قرآن کریم همه علوم را به صورت کلی و تفصیلی در بردارد، بلکه می گویم قرآن اصول عام هر چیزی را که معرفتش برای انسان مهم است و عمل به آن انسان را به درجه کمال جسمی و روحی می رساند، در بردارد و درهای علم را برای دانشمندان علوم مختلف باز کرده، تا بتوانند جزئیات آن علوم را طبق پیشرفت زمان برای مردمشان بیان کنند... برخی تأویل قرآن می کنند، برای تطبیق با نظریات علمی که ثبات ندارد و این خطر بزرگی برای قرآن است، زیرا نظریات علمی که ثابت نشد، صحیح نیست که قرآن را به آنها برگردانیم؛ در پایان می گوید: واجب است که آیه قرآن را، به طرف علوم نکشانیم تا تفسیرش کنیم و علوم را هم به طرف آیه نکشانیم تا قرآن تفسیر شود، بلکه اگر ظاهر یک آیه با یک حقیقت علمی ثابت، موافق بود، آن آیه را با آن حقیقت علمی، تفسیر کنیم. (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۰ ص ۷۶)

پیشینه این شیوه تفسیری

همانگونه که گفته شد این نوع تفسیر در قرن چهاردهم، به عنوان یک روش مستقل مورد توجه قرار گرفت؛ ولی در آثار پیشینیان هم توجه به این تفسیر وجود داشته است و نمی توان آن را ویژه عصر حاضر دانست - حتی عده ای معتقدند که این نوع نگرش به آیات در عصر صحابه هم بوده است - البته با تذکر این نکته که داعیه مفسران صحابی و تابعی و پیشینیان ما، در اتخاذ این دیدگاه اعتقاد آنها به جامعیت قرآن بوده است، لذا آنها برای اثبات این داعیه خود، به آیات و روایاتی استناد می کردند که، مبتنی بر وجود همه دانش های اولین و آخرین در قرآن است؛ این ثابت کننده ی جانبداری آنها، از تفسیر علمی و یا حتی توجه آنها به این نوع تفسیر نیست. آنها به داده های علوم تجربی توجهی نداشتند و مرادشان از همه علوم موجود در قرآن، اشاره به علوم مورد نیاز بشر در حوزه دین بوده است. از قرن دوم هجری که آثار یونانی به عربی ترجمه شد، آرام آرام علاقمندی مسلمانان به این شیوه، ورود آن را در کتاب های تفسیری و دینی رقم زد، مع الوصف از میان متقدمین می توان به این افراد اشاره کرد:

- ۱- ابو حامد محمد غزالی (۵۰۵ ه.ق) که در کتاب های احیاء العلوم و جواهر القرآن، در عین جانبداری از این شیوه، خود نیز در تفسیر برخی آیات، از این روش بهره گرفته است. (بابایی، ۱۳۹۱، ج ۳ ص ۳۲۳)
- ۲- بوعلی سینا (۴۲۸ ه.ق) که برخی آیات قرآن را با هیئت بطلمیوسی تطبیق داد. مثلاً واژه عرش در قرآن را، به فلک نهم هیئت بطلمیوسی تفسیر کرده است. (نک: رسایل ابن سینا، ۱۹۸۰، ص ۱۲۴)
- ۳- فخر رازی (۶۰۶ ه.ق) که در تفسیر برخی از آیات قرآن، به داده های علوم تجربی عصر خود توجه کرده است و این اشاره به مطالب علمی، در مفاتیح الغیب فراوان دیده می شود و موارد اشاره و استفاده او از علم هیئت و نجوم به قدری زیاد است که، با اعتراض برخی افراد مواجه شده است. (بابایی، ۱۳۹۱، ج ۳ ص ۳۲۵)
- ۴- عبدالله بن عمر بیضاوی (۶۹۱ ه.ق)
- ۵- علامه مجلسی، در کتاب السماء بحار الانوار، در موارد متعددی به تفسیر علمی پرداخته است. اما در قرن های اخیر، این شیوه تفسیری مورد توجه بسیاری از دانشمندان، قرار گرفته است و آثاری هم در این زمینه تألیف شده است. البته عده ای از این دانشمندان با رویکردی افراطی و عده ای هم با شیوه معتدل و معتبر، به تفسیر علمی پرداخته اند، از جمله می توان از افراد زیر نام برد:

- ۱- محمد بن احمد اسکندرانی
- ۲- سید احمد خان هندی
- ۳- طنطاوی بن جوهری مصری
- ۴- عبدالرحمن العک
- ۵- سید عبدالرحمن کواکبی
- ۶- سید هبه الله شهرستانی
- ۷- سید محمود طالقانی
- ۸- محمد تقی شریعتی
- ۹- عبدالرزاق نوفل
- ۱۰- محمد صادقی نویسنده تفسیر الفرقان
- ۱۱- دکتر پاک نژاد

انگیزه ها و زمینه های ورود به این روش تفسیری

۱- قرآن اولین و بزرگترین مشوق مسلمانان در گرایش به این نوع تفسیر است.

الف) وجود آیات مبتنی بر دعوت و تدبیر در آیات آفاقی و پدیده های ارضی و سمایی
ب) تأکید فراوان قرآن بر علم آموزی و ارزشمندی جایگاه دانشمندان و نیز سیره پیشوایان دینی در این زمینه، به طوری که در کمترین زمان ممکن، مسلمانان به رشد قابل توجهی در حوزه علم و تمدن رسیدند که شرح آن در کتب تاریخ تمدن موجود است. (نک: زرین کوب، عبدالحسین، کارنامه اسلام)
ج) وجود اشارات علمی در قرآن و نیاز به فهم تفسیر دقیق آنها

۲- نهضت ترجمه و ورود آثار علوم طبیعی ایران و روم و یونان در میان مسلمانان از قرن دوم هجری به بعد.

«مسلمانان علمی مانند طب، ریاضیات، نجوم، علوم طبیعی و فلسفه را از یونان گرفتند و مطالب زیادی به آن ها اضافه کردند و در طی چند قرن خود را به اوج قله ی دانش رساندند، چنان که مسلمانان در قرن سوم و چهارم، بهترین کتابها را در طب (قانون بوعلی) و در فلسفه (شفا) و نیز ریاضیات و نجوم نگاشتند؛ حتی غرب که اصل این علوم را از یونان گرفته و به مسلمانان وام داده بود، مجبور شد دوباره آنها را از مسلمانان اخذ کند؛ ترجمه برخی آثار غیر مسلمانان، باعث شد تا تعارضاتی بین ظاهر برخی آیات و علوم جدید بوجود آید، لذا عده ای از مفسران و اندیشمندان مسلمان، در پی انطباق آیات قرآن با علوم تجربی یونان برآمدند، تا ثابت کنند قرآن بر حق و مطالب علمی آن صحیح است و از اینجا بود که روش تفسیر علمی پیدا شد و رشد کرد». (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۲، ص ۲۴۰)

۳- دفع شبهه تعارض علم و دین

در قرن ۱۸ میلادی که شبهه تعارض دین با علم در اروپا شکل گرفت و کتاب مقدس مورد تخطئه اندیشمندان واقع شد، عده ای از اندیشمندان مسلمانان از سر دلسوزی و برای دفاع از ساحت قرآن و اسلام و برای اثبات سازگاری دین اسلام با علم، به این شیوه تفسیری روی آوردند، تا اثبات کنند قرآن نه تنها در تعارض با علوم نیست، بلکه علوم تجربی و یافته های آن

اعجاز علمی قرآن را ثابت می کند. اگر چه برخی از این افراد در این مسیر، دچار افراط و توافیات ناروا شدند و البته برخی حرکتی منصفانه و معتدل در این میانه در پی گرفتند. (نک خرمشاهی؛ بها الدین، ۱۳۶۴، تفسیر و تفاسیر جدید)

۴- رشد روز افزون علم و تکنولوژی در دوره رنسانس در اروپا

در دوره رنسانس، اروپائیان چنان در علوم و فنون پیشرفت کردند که، مسلمانان نمی توانند بدون استفاده از یافته های آنها به راحتی زندگی کنند، امروز دانشجویان و دانش پژوهان مسلمان به مجرد ورود به دانشگاه ها و مواجهه با دریایی از علوم جدید در آن غرق می شوند و دچار خود کم بینی می شوند، لذا یگانه راه خلاصی از این عقب افتادگی و جلوگیری از نفوذ بی دینی این است که، به غربیان نشان داده شود که کتاب مقدس قرآن کتابی نیست که منحصر در حد دانش ۱۴۰۰ سال پیش باشد، بلکه کتابی است که شامل کشفیات علمی هم می شود. «نیازمند، ۱۳۷۵، شماره ۱۰ صص ۴۷-۲۰) و علت اینکه اکثر تفاسیر علمی در این قرن اخیر نوشته شده است، مواجهه اندیشمندان مسلمان با علوم و فنون پیشرفته غیر مسلمانان است؛ چنانچه طنطاوی، رویکرد خود به این نوع تفسیر را، رهایی مسلمانان از ذلت و حقارتی می داند که آنها را در بر گرفته و از مسلمانان می خواهد پای درس او بنشینند و با در س گرفتن از آن، علم را میان امت مسلمان پراکنده کنند. (طنطاوی، ۱۴۱۲، ج ۲ ص ۲۰۴)

۵- رشد و تکامل شناخته های مذهبی

این نکته قابل انکار نیست که تحولات معرفت بشر در مذهب، علم و فلسفه بر یکدیگر تأثیر می گذارند؛ یعنی اکتشافات و اختراعات در عالم علم، بر مقولات و باورهای فلسفی تأثیر می گذارد و باورهای مذهبی بر اندیشه عالمان تجربی مؤثر است. بدون شک اکتشافات و اختراعات علمی و اطلاع از پیشرفت های علوم در زمینه های مختلف، مثل طب و نجوم و فیزیک و شیمی بر ذهن مفسر اثر می گذارد و آگاهانه یا ناخود آگاه معرفت دینی و دیدگاه او را از قرآن مجید متحول می سازد؛ لذا ملاحظه می کنیم که اکثر مفسران علمی نگر، در یکی از رشته های علوم تجربی تخصص دارند». (پارسا، ۱۳۷۴، شماره ۸ ص ۶۷)

چرایی وجود اشارات علمی در قرآن

شکی نیست که قرآن کتاب هدایت است و با هدف رساندن بشر به سعادت اخروی نازل شده است؛ اما در راستای این هدف خود، از مسائل متعددی بهره گرفته است، نظیر بیان قصه، مثال و اشارات علمی در مورد آفرینش، کیهان، مظاهر طبیعت و... برای تفکر انسان در عالم خلقت و عظمت خالق، در چرایی وجود این اشارات در قرآن، محققین و اندیشمندان سخنان بسیاری دارند و آیت الله معرفت، این چرایی را چنین پاسخ داده اند: «شریعت درس علوم طبیعی نیست و قرآن با لذات کتاب علم نیست مگر اشاراتی گذرا و در کنار مطالب اصلی (حکمت، هدایت، تربیت و...) که به بعضی از اسرار وجود اشاره می کند اما این به نحو اجمالی و غامض بیان شده، به طوری که علمای راسخ در علم آن اشارات را درک می کنند، چون درصدد بیان مطلب علمی نبوده ولی در عین حال از دریای بیکران علم الهی سرچشمه گرفته است». (معرفت، بی تا، ج ۶ ص ۳۱) ایشان در مصاحبه با مجله بینات، بیان دیگری دارند «قرآن اگر معترض مسائل علمی هم شده باشد، مقصود کلام نبوده است، بلکه تراوشی است. متکلم چون مهیمن به اسرار خلقت است ولو در بعد خاصی حرف می زند، گاهی عباراتی در بین کلام دارد که حاکی از علم سرشار اوست و فقط مخاطبان خاص و علما آن را می فهمند... البته خود قرآن جنبه اشارات علمی را به عنوان معجزه مطرح نکرده است، اما ما امروز به این دلیل رسیده ایم و می توانیم این بعد را به عنوان اعجاز قرآن به جهانیان مطرح کنیم». (معرفت، ۱۳۸۳، شماره ۴۴ صص ۷۷-۵۰)

دلایل موافقان و بررسی آن

پیش از بیان دلایل موافقان تفسیر علمی، لازم است تذکر داده شود که، موافقان این شیوه به لحاظ نوع نگرش به مفهوم و محدوده این روش تفسیری، با هم یکسان نیستند و برخی از آنان در جانبداری خود از این مکتب تفسیری، راه افراط را پیموده اند و معیارهای یک تفسیر علمی دقیق را که سابقاً بیان شد، لحاظ نمی کنند؛ لذا برخی از دلایل آنان، منجر به تطبیق و تحمیل و یا علوم ظنی می شود و همچنین دایره شمول آیات علمی را بسیار وسیع می کنند و تفسیر قرآن را، تا حد یک دایره المعارف علمی می کشانند؛ نظیر آنچه از سوی طنطاوی در تفسیر الجواهر اتفاق افتاد. لذا با مطالبی که گذشت، روش آنان مورد نقد قرار گرفت و آنچه در اینجا به عنوان دلایل موافقان ارائه می گردد، مراد، دلایل گروهی است که با رعایت آن ضوابط و معیارها، راهی

معتدل پیش گرفته اند و این شیوه تفسیری را می پسندند. اگر چه به برخی از این دلایل در بحث، انگیزه ها و زمینه های ورود به این شیوه تفسیری اشاره شد.

۱- وجود آیات و روایات فراوانی که دلالت بر شمول قرآن بر تمامی علوم دارد. مانند:

«ما فرطنا فی الكتاب من شیء^۱» «و نزلنا علیک الكتاب تبیاناً لکل شیء^۲»

و روایاتی از این قبیل: ابن مسعود می گوید هر کس علم می خواهد باید به قرآن روی آورد، زیرا خبر گذشتگان و آیندگان در آن است. (سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۲ ص ۱۰۲۵)

بررسی دلیل اول:

۱- مفسران در معنای کلمه «الكتاب» در آیات فوق اتفاق نظر ندارند و برخی معتقدند مراد لوح، محفوظ است که در آیه ۲۲ سوره بروج هم آمده است. (زمخشری، ۱۴۱۳، ج ۲ ص ۲۱؛ آلوسی، ۱۴۰۵، ج ۴ ص ۱۴۵)

۲- در معنای کل شیء هم اتفاق نظر وجود ندارد و بسیاری از مفسران معتقدند مراد، نیازمندی های شرعی و مطالب مورد نیاز مردم، در امور دینی است، مانند معارف مربوط به مبدأ، معاد، اخلاق (طباطبایی، ۱۳۶۶، ص ۴۶۹) یا منظور اصول و کلیات احکام دین است. (آلوسی، ۱۴۰۵، ج ۴ ص ۲۱۶)

۳- باور به این مسئله سبب می شود، توجه به نقش هدایتی قرآن کمرنگ شود و لذا عده ای به بیراهه رفته و تلاش کردند تا هر مسئله ساده و غیر ضروری را از قرآن استخراج کنند و علوم روز را بر قرآن تحمیل کنند؛ مثلاً از آیه «أتونی زبر الحديد^۳» آهنگری و از آیه «و اصنع الفلک بأعیننا» نجاری و... استخراج نمایند!! (سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۲ ص ۴۰۰)

۴- اگر بپذیریم همه علوم در قرآن هست، بر خلاف بداهت عقلی است؛ زیرا هیچ فرد عاقلی ادعا نمی کند تمامی فرمولها و قواعد شیمی، فیزیک و پزشکی و... در قرآن موجود است.

۱- انعام/۳۸

۲- نحل / ۸۹

۳- کهف/۹۶

۴- هود/۳۷

۲- تفسیر علمی سبب بطلان تحلیل های نادرستی می شود که از برخی پدیده های طبیعی در کتب روایی تفسیر وارد شده است مثلاً در آن کتابها از رعد به ملکی که ابر را می راند تفسیر شده است و نیز گفته اند زمین بر پشت ماهی قرار دارد و... (بابایی، ۱۳۹۱، ج ۳ ص ۳۳۸)

بررسی دلیل دوم:

وجود این روایات نادرست، سبب روی آوردن به تفسیرهای علمی نیست زیرا ممکن است هم آن تفسیرها نادرست باشند و هم تفسیر علمی، یعنی هیچ ملازمه ای بین نادرستی آن تفاسیر و صحت تفسیر علمی نیست. (همان جا)

۳- تحدی قرآن امروز از راه تفسیر علمی ممکن است زیرا درک اعجاز لغوی برای غیر عرب مشکل است زیرا غیر عرب نمی توانند اعجاز ادبی را درک کنند و لازم است تفسیر علمی صورت بگیرد. (نوفل، ۱۳۹۳، ص ۲۶)

بررسی دلیل سوم:

۱- اثبات اعجاز قرآن برای غیر عرب، توقف بر این ندارد که، قرآن به بیان مطالب علمی پردازد. (بابایی، ۱۳۹۱، ج ۳ ص ۳۳۶)

۲- تحدی قرآن فقط به اعجاز ادبی و لغوی آن نیست، بلکه تمامی جنبه های اعجاز قرآن را در بردارد و تا همین عصر هم افراد از آوردن کتابی چون قرآن عاجز بوده اند. ۳- بسیاری غیر عربها هم، با آموختن دانش ادبیات قرآن، می توانند اعجاز ادبی قرآن را درک کنند، یعنی این دلیل کلیت ندارد. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۲، ص ۲۶۸)

۴- اثبات اعجاز علمی قرآن، ملحدان را از شک باز می دارد و سبب افزایش ایمان مسلمانان و گرایش غیر مسلمانان می شود؛ (همان، ص ۲۶۰؛ ابوالحجر، ۲۰۰۱، ص ۱۰۸) نظیر آنچه برای موریس بوکای اتفاق افتاد، که با دیدن جسد مومیایی فرعون و آیات قرآن در این زمینه به اسلام علاقمند می شود.

بررسی دلیل چهارم:

این دلیل خوبی است، اگر چه این دلیل بیشتر ناظر به فایده و نتیجه تفسیر علمی است و البته نمی توان انکار کرد که وجود فایده مهم در یک امر، ضرورت انجام آن را ایجاب می کند.

۵- تفسیر علمی قرآن سبب می شود شبهه تعارض میان علم و قرآن از بین برود و همگان؛ خصوصاً ملحدان؛ بدانند که آیات نازل شده در ۱۴۰۰ سال پیش، موافق کشفیات امروز علم است. (شهرستانی، بی تا، ص ۱۱۰)

بررسی دلیل پنجم:

آنچه در بررسی دلیل چهارم گفته شد در اینجا هم مصداق دارد.

۶- قرآن کریم مملو از آیاتی است که به طور مکرر به مسائل طبیعی و نشانه های خداوند در آسمانها و زمین پرداخته است و به طور قطع در آنها، اشارات علمی وجود دارد؛ شرح و تفسیر این آیات جز از راه تفسیر علمی ممکن نیست. بعضی از محققان این آیات را حدود ۱۲۰۰ آیه می دانند که، تعداد آنها از آیات فقهی بیشتر است.

« ما حق نداریم آن دسته از آیات قرآنی را که مربوط به جهان هستی است و بیش از چهارده قرن به درستی و راستی نازل شده و امروز بر زبان ما جاری است و عقول اندیشمندان را به حیرت آورده رها کنیم و آنها را با علمی که غیر مسلمانان بر آن دست یافته اند شرح نکنیم و توضیح ندهیم.» (عک، ۱۴۱۴، ص ۲۱۸)

بررسی دلیل ششم:

این دلیل محکمی است و ضرورت تفسیر علمی را بیان می کند و نشان می دهد که محدوده این روش تفسیری، فقط در خصوص آیاتی است که این اشارات علمی در آنها وجود دارد؛ لذا مفسر را به سمت و سوی تحمیل و تطبیق علوم بر کلیه آیات قرآن نمی کشاند و به معنای بی نیازی از سایر روشهای تفسیری نیست.

۷- تفسیر علمی در برخی موارد می تواند اعجاز علمی قرآن را اثبات کند مثل زوجیت گیاهان، حرکت زمین، مراحل خلقت و...

بررسی دلیل هفتم:

این هم دلیل قابل قبولی است برای اثبات ضرورت تفسیر علمی؛ زیرا این از عظمت قرآن است که در هر دوره ای و برای هر مردمی وجهی از اعجاز آن، به اقتضای شرایط زمانه پررنگ می شود و برای اثبات اعجاز علمی، چاره ای جز تفسیر علمی نیست.

۸- پاسخ به شبهات و پرسشهای جدید همواره تفسیر عصری را می طلبد بنابراین با گذشت زمان از نزول قرآن ارائه تصویر علمی و عملی از مفاهیم قرآن نیاز هر جامعه است. (مؤدب، ۱۳۹۰، ص ۱۵۷)

بررسی این دلیل:

این دلیل نیز قابل پذیرش است، تفسیر علمی یکی از انواع تفاسیر عصری است و با توجه به وجود آیات علمی در قرآن و گاه شبهه هایی در اطراف این آیات، چاره ای جز تفسیر علمی نیست.

دلایل مخالفان و نقد و بررسی آنها

۱- چگونه قرآن در هنگام نزول از الفاظ، معانی را اراده می کند که قرنهای بعد پدید آمده است؟

«از نظر لغوی تفسیر علمی معقول نیست، زیرا الفاظ در طول قرون و اعصار معنایشان تغییر می کند و معانی لغوی و شرعی و اصطلاحی بوجود می آید. بسیاری از این معانی، جدید است و در عصر نزول نبوده است؛ با این حال آیا معقول است که خداوند با همین الفاظ، این معانی را که در سالهای بعد پدید می آید اراده کند؟! (ذهبی، ۱۳۹۸، ج ۲ ص ۴۹۱)

نقد و بررسی دلیل اول:

۱- تغییر معانی الفاظ، با گذشت زمان، آسیبی به تفسیر علمی وارد نمی کند؛ زیرا هر مفسری، با هر روش تفسیری، باید ابتدا به منابع دست اول لغوی مراجعه کند، تا بتواند معانی زمان نزول را بفهمد. ۲- قصد خداوند از الفاظ قرآن، منحصر به همان معنای رایج و متداول میان مردم زمان نزول نیست. ۳- الفاظ و مفاهیم قرآن، در هر عصری مصادیق جدید پیدا می کند؛ مثلاً واژه عمد، در آیه «رفع السماوات بغير عمد...» به معنای ستون است، ولی در طول زمان مصادیق متعددی

دو فصلنامه علمی- تخصصی دانشگاه قم: سال یکم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۴، شماره پیاپی ۱

مانند ستون خیمه، ستون فولادی و تیرهای ستون مانند مثل نیروی جاذبه پیدا کرده است، بنابراین کشف مصادیق جدید آیات، دلیل بر عظمت قرآن است که، محصور در زندان زمان نیست. (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۲)

۲- مهمترین دلیل این گروه این است که، علوم تجربی قطعی نیست و نظریات و تئوری های آن متزلزل است و بعد از مدتی تغییر می کند و صحیح نیست که قرآن را با علوم متزلزل و غیر قطعی تفسیر کنیم، زیرا پس از مدتی، نظریه ها تغییر می کند و مردم در آیات قرآن شک می کنند. (ذهبی، ۱۳۹۸، ج ۲ ص ۴۹۲)

بررسی دلیل دوم:

در بحث باید ها و نبایدها، قطعی بودن علوم یکی از شرایط اصلی تفسیر علمی عنوان شد؛ لذا اگر مفسر، در تفسیر علمی آیات، به یافته های قطعی مراجعه کند، مشکلی پیش نمی آید و نمی توان ادعا کرد، تمام آنچه علوم تجربی به آن رسیده است، علومی ظنی است؛ زیرا به طور روشن، همه ما، برخی قضایای قطعی و یقینی علوم تجربی را باور داریم، نظیر نیروی جاذبه زمین. آقای مکارم شیرازی در پاسخ به این ایراد می گویند:

«اگر یک مسئله علمی، به روشنی به اثبات رسیده و از محیط فرضیه ها قدم به جهان قوانین علمی گذرانده و حتی گاهی جنبه ی حسی به خود گرفته- مانند گردش زمین به دور خود یا به دور آفتاب و وجود زوجیت در گیاهان و تلقیح در عالم نباتات و امثال اینها- و از سویی دیگر آیاتی از قرآن هم صراحت در این مسائل داشته باشد، چرا از تطبیق این مسائل بر آیات قرآن سرباز زنیم و از این توافق که نشانه ی عظمت این کتاب آسمانی است وحشت داشته باشیم.» (۱۳۴۹، ص ۱۴۷)

۳- صحابه و تابعین در تفسیر قرآن چنین روشی نداشتند و این خود نشان می دهد که همه علوم، در قرآن نیست.

بررسی دلیل سوم:

این تفسیر به اقتضای شرایط زمان است و طبیعی است که مباحث علمی در زمان صحابه و تابعین به اندازه امروز مطرح نبود. اگر قرار باشد این اشکال به تفسیر علمی گرفته شود، به هر کدام از مکاتب، تفسیری دیگر، که در قرن های بعد آرام آرام شکل گرفت، هم وارد می شود.

۴- تفسیر علمی در بسیاری موارد، منجر به تفسیر به رأی می شود، نظیر آنچه عبدالرزاق نوفل در تفسیر آیه «خلقکم من نفس واحدة و جعل منها زوجها» آورده است که، نفس پروتون است و زوج الکترون. (نوفل، ۱۳۹۲، ص ۱۵۶) و همچنین نظیر کسانی که سعی می کنند، حقایق غیبی و ماورای قرآن را، به مسائل محسوس ربط دهند، مثلاً منظور از ملائکه را میکروب هایی می دانند که، جان انسان را می گیرد. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۲، ص ۲۷۱ به نقل از ابوالحجر ص ۲۲۸)

بررسی دلیل چهارم:

این اشکال، در اصل ایرادی است به مفسرانی که در طریق این مکتب تفسیری، دچار افراط می شوند و نمی توانند ایرادی به روش تفسیر علمی باشد؛ زیرا اگر فردی، با رعایت تمام ضوابط تفسیر، اقدام به این کار کند، نه تنها به دام تفسیر به رأی نمی افتد، بلکه موجب بیان مفهوم آیه می شود؛ افزون بر آن، این اشکال فقط متوجه روش تفسیر علمی نیست و سایر روش های تفسیری هم اگر در چارچوب ضوابط مشخص تفسیری حرکت نکنند، از آفت تفسیر به رأی، در امان نخواهند بود.

۵- اثبات ضرورت تفسیر علمی قرآن، اصل تحدی قرآن را از اساس باطل می کند، زیرا اعراب زمان نزول از درک مسائل علمی عاجز بودند. (ابوالحجر، ۲۰۰۱، ص ۱۱۲)

بررسی دلیل پنجم:

این دلیل شبیه یک مغالطه است، زیرا اولاً اعجاز علمی قرآن، از صدر اسلام که مردم پیشرفت علمی نداشتند، تا امروز که مردم در اوج پیشرفت علمی هستند، پا برجاست و هنوز هم قرآن تحدی می کند؛ ثانیاً این که مردم نسبت به واقعیات قطعی علمی جاهل باشند، موجب بطلان اعجاز علمی قرآن نمی شود و این خود دلیل اعجاز قرآن است که، آورنده ی قرآن، از قطعیات

دو فصلنامه علمی- تخصصی دانشگاه قم: سال یکم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۴، شماره پیاپی ۱

علوم اطلاع داشته و هر چه علم پیشرفت می کند، مطالب علمی قرآن روشن تر می شود.
(رضایی اصفهانی، ۱۳۸۲، ص ۲۷۹)

آسیب شناسی و بررسی آفات این مکتب تفسیری

با توجه به نقش اساسی علوم تجربی در این مکتب تفسیری و پایدار نبودن این علوم، واضح است که این شیوه آفاتی هم در پی دارد، که به برخی از آنها اشاره می شود:

- ۱- تکیه زیاد بر یافته های علمی و معیار قرار دادن آنها در فهم آیات
- ۲- بی توجهی به سیاق و اسباب النزول
- ۳- دور شدن از بعد هدایتی و تربیتی قرآن
- ۴- مبتلا شدن به «تفسیر رأی»
- ۵- افتادن در دام تحمیل نظریات علمی بر قرآن
- ۶- دور شدن از فضای نزول
- ۷- اقدام به تفسیر قرآن از سوی افرادی که شرایط یک مفسر واقعی را ندارند.
- ۸- سوء استفاده برخی افراد برای اثبات افکار انحرافی و مغرضانه خود و زمینه سازی برای تفسیر مادی نظیر سر سید احمد خان هندی

امتیازات و آثار مثبت تفسیر علمی

- ۱- فهم بهتر بیش از ۱۰۰۰ آیه قرآن که به مطالب علمی اشاره دارد.
- ۲- اثبات اعجاز علمی قرآن
- ۳- افزایش ایمان مسلمانان و گرایش غیر مسلمانان به قرآن
- ۴- اثبات عدم تعارض دین با علم
- ۵- تأکید این سخن پیامبر (ص) که «لا تحصی عجائبه و لا تبلی غرائب» شگفتی های آن بی پایان و نوآوری های آن کهنه نمی شود.
- ۶- تشویق مردم به تعلم علوم طبیعی و در نتیجه توجه به عظمت خلقت و نزدیکی به خالق جهان. (گلشنی، ۱۳۷۵، ص ۱۰۲)
- ۷- پی بردن به عمق بیشتری از حقایق قرآن با پیشرفت علم و دانش

پیشانی های تفسیری

کتابشناسی

به دنبال تحول عظیمی که در دانش بشری بوجود آمد و نیز به دلایلی که گذشت، نویسندگان و اندیشمندان اسلامی به روش تفسیری علمی، توجه عمیقی پیدا کردند و آثار زیادی در این حوزه شکل گرفت.

«این حرکت، نخست در مصر آغاز شد و این بدان سبب بود که مصر، زودتر از کشورهای اسلامی دیگر با تمدن و پیشرفت های علمی غرب آشنا شد؛ دانشمندان مصری در کتاب ها و مقالات خود، به تفسیر علمی آیات قرآنی و تطبیق آنها با علوم روز پرداختند. از جمله نخستین کسانی که دست به این کار زدند، می توان از عبدالرحمن کواکبی نام برد که کتاب طبایع الاستبداد را در سال ۱۳۱۸ نوشت. همچنین در سال ۱۹۳۰ میلادی، از سوی دانشگاه الازهر مجله ای به نام نور الاسلام منتشر می شد و در هر شماره راجع به صنعت هایی چون ترکیب فلزات و عکسبرداری و ساختن دوربین های فلکی و ساختن هواپیما و زیردریایی با استناد به آیات قرآنی بحث می شد.» (جعفری، بی تا، شماره ۲، سال ۸، ص ۳۷) بعد از این حرکت، کتاب های زیادی با این رویکرد، در سایر کشورهای اسلامی تألیف شد که، به معرفی اجمالی آنها می پردازیم. با تذکر این نکته، که در برخی از این آثار، مؤلف تنها بخشی از آیات قرآن را که اشارات علمی دارد، با گرایش علمی تخصصی خود، تفسیر کرده است؛ اما تفسیری فراگیر، که کلیه آیات را با این گرایش تفسیر کرده است، اولین بار بدست طنطاوی تألیف شد.

۱- الجواهر فی تفسیر القرآن تألیف طنطاوی بن جوهری مصری، در ۲۵ جلد به اضافه یک جلد پیوست، که در این اثر، خود راه افراط را پیش گرفته و تفسیر او، بیشتر به یک دایره المعارف علمی شبیه است.

۲- تفسیر الفرید، تألیف محمد عبدالمنعم جمال، با سبکی علمی اجتماعی در چهار جلد.

۳- کشف الاسرار النورانی، تألیف محمد احمد اسکندرانی (پزشک و روانشناس)، در ۳ جلد.

۴- بصائر جغرافیه، تألیف رشید رشدی، که در آن، از رهنمودهای قرآنی مرتبط با پدیده های کیهانی گفتگو کرده و درباره شکل زمین، تأثیر کوهها، نیروی جاذبه و... و مسائل دیگری را که در قرآن از آنها سخن رفته، به شرح و توضیح پرداخته است.

۵- کتاب های الطب و القرآن، نوشته دکتر عبدالعزيز اسماعیل، از پزشکان به نام مصر.

- ۶- الهیاء و الاسلام، تألیف سید هبه الدین شهرستانی، که بیشتر به نظریات کیهان شناسان و ارتباط آنها با برخی آیات قرآن، پرداخته است.
- ۷- مع الله فی السماء، نوشته احمد زکی، نویسنده معاصر مصری، که درخصوص کیهان شناسی و رابطه آن با خداشناسی است.

البته در این حوزه، کتاب ها و مقالات فراوانی به طور مستقل نوشته شده است و البته به طور غیر مستقل هم، مفسرانی چون مرحوم طالقانی، علامه طباطبائی، مکارم شیرازی، و هبه زحیلی و... در تفسیر برخی از آیات قرآن، از این روش بهره گرفته اند. و ما به عنوان نمونه، به بررسی موردی یکی از کتاب های تألیف شده در این حوزه، می پردازیم.

نقد و بررسی الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم

طنطاوی بن جوهری مصری، در سال ۱۲۸۷ ه.ق در مصر، متولد شد و در مراکز مختلف قاهره، به تحصیل پرداخت و بالغ بر سی عنوان تألیف دارد، که تفسیر الجواهر از آخرین آثار اوست. نام کامل این تفسیر، «الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم المشتمل علی عجائب بدائع المکونات و غرائب الآيات الباهرات» است که، در ۲۶ جلد منتشر شده است.

انگیزه مؤلف از نگارش این تفسیر: از بررسی مقدمه تفسیر و نیز اظهاراتی که به کرات لابلائی تفسیر او مشاهده می شود، بر می آید که، طنطاوی با نیتی خیرخواهانه و به قصد دلسوزی برای مسلمانان، اقدام به نگارش این تفسیر کرده است. او معتقد است «قرآن متجاوز از ۷۵۰ آیه در خصوص علوم مختلف دارد، در حالی که آیات فقهی قرآن بیشتر از ۱۵۰ آیه نیست (طنطاوی، ۱۴۱۲، ج ۱ ص ۳) و آرزو می کند افرادی در این امت پیدا شوند که در زراعت، طب، معدن، حساب و هندسه و دیگر علوم بر اهل فرنگ برتری پیدا کنند (همان جا) و به کرات هشدار می دهد که مسلمانان در آیات قرآن بیندیشند و به آموختن علوم جدید بپردازند تا بدین وسیله از ذلت و حقارتی که آنها را فرا گرفته نجات پیدا کنند»؛ (همان، ج ۲۵ ص ۶۵) و در پایان مقدمه می نویسد در این تفسیر مطالب مورد نیاز مسلمانان از قبیل احکام، اخلاق، شگفتی های هستی را آورده و علوم ناشناخته و شگفتی های آفرینش را اثبات کرده ام تا مسلمانان، به آگاهی یافتن از حقیقت معنای آیات روشن درباره حیوانات، گیاهان، زمین و آسمان تشویق شوند. (همان، ج ۱،

ص ۳)

بررسی های تفسیری

جایگاه علم در تفسیر الجواهر: علم در نظر طنطاوی جایگاه ویژه ای دارد، از نظر او عنایت خداوند به علم طبیعت بیش از توجه او به احکام فقه است و دانش فقه برای بقای امت است، در حالی که علم طبیعت برای معرفت خداوند و حیات امت است، آنچه حیات به آن بستگی دارد مقدم است بر آنچه موجب حفظ حیات می شود، چون حفظ حیات و عبادت خداوند، تنها بعد از وجود حیات معنا دارد. (همان، ج ۲۵ ص ۵۶) از نظر او غفلت مسلمانان از این دانش های طبیعی، باعث ضایع شدن بخشی از دین شده است و خداوند هم حکومت را از آنها سلب کرده و به دیگران بخشیده است. (همان جا) او با آرزوی بازگشت مجدد عظمت گذشته اسلام، دست یابی دوباره آن را تنها به دست دانش ممکن می داند. (همان، ج ۲ ص ۸۶) از نظر او، تحقق وعده نصرت الهی و برتری امت اسلام و بقای آن همه و همه در گرو علم است (همان، ج ۱ ص ۳ و ج ۲ ص ۲۱۰ و ج ۲۵ ص ۵۵) و اظهاراتی از این قبیل که نشان می دهد علم در نظر طنطاوی از ارزش و اهمیت به سزایی برخوردار است.

روش تفسیری طنطاوی: او در ابتدای هر سوره، نام آن سوره را ذکر می کند و در برخی سوره ها به مکی و مدنی بودن و عدد آیات اشاره دارد، سپس آیات را می آورد و به طور مختصر به بحث لفظی می پردازد؛ البته در این بخش به اختصار عمل می کند و به سرعت از کنار آن می گذرد و به تفسیر علمی آیات توجه می نماید. عمده کار طنطاوی در این قسمت است که، مجموع نظریات علمای شرق و غرب را به آیات ربط می دهد و درصدد اثبات پیشتاز بودن قرآن در نظریات علوم است. او آنقدر در تفسیر علمی آیات و تحمیل ها و تطبیق های ناروا افراط می کند که کتاب او، از قالب یک کتاب تفسیری خارج شده و به یک دایره المعارف علمی بیشتر شباهت دارد. ذهبی در وصف این کتاب می گوید: درباره این تفسیر، مانند تفسیر فخر رازی گفته اند: در آن همه چیز هست جز تفسیر، بلکه این تفسیر به این وصف سزاوارتر است تا تفسیر فخر رازی. (ذهبی، ۱۳۹۶، ج ۲ ص ۵۱۷) برخی از ویژگی های خاص این تفسیر، به نقل از علی اکبر بابایی عبارتند از:

- ۱- آوردن جدول ها و صورت ها و اشکال مختلفی، در توضیح مطالب علمی
- ۲- فرق نگذاشتن میان علوم ظنی و محتمل با علوم قطعی
- ۳- استخراج علوم قرآنی بوسیله حساب جمل
- ۴- استفاده و استناد به علم طبیعی در همه آیات قرآن
- ۵- بیان شأن نزول به صورت گزینشی و موافق با مذهب اهل سنت

- ۶- عدم استفاده از روایات تفسیری و البته موافق با مذهب اهل بیت (ع) امامان معصوم در حالی که روایات تفسیری آن بزرگواران بسیار زیاد است
- ۷- بی توجهی به سیاق در بخش عمده ای از آیات قرآن
- ۸- استفاده بسیار اندک از روش تفسیری قرآن به قرآن
- ۹- اشارات نادری به قرائت های مختلف آیات
- ۱۰- استشهاد به اشعار عرب در تفسیر برخی آیات. (بابایی، ۱۳۹۱، ج ۳ صص ۳۶۲-۳۵۴ با اندکی دخل و تصرف)

بیان نمونه هایی از تفسیر طنطاوی:

- ۱- در تفسیر بسم الله الرحمن الرحیم: الرحمن را، نعمت دهنده نعمت های بزرگ، مانند آسمان و زمین و سلامتی و عقل می داند و الرحیم را، به نعمت دهنده نعمت های دقیق مانند سیاهی چشم، مژه ها و... تفسیر می کند.
- ۲- در تفسیر سوره کوثر، الکوثر را علاوه بر معنای ظاهری آن، مرز و کنایه ای می داند برای علم، و فراخی آن را چیزی جز فنون علم نمی داند.
- ۳- آیات مربوط به داستان گاو بنی اسرائیل را منبع استخراج علم احضار ارواح می داند. (همان جا)

نتیجه گیری:

قرآن کریم با هدف تربیت و هدایت انسان نازل شده است و در راستای همان هدف تربیتی، آیاتی درباره اسرار طبیعت و جهان خلقت در آن آمده است. امروز با پیشرفت های علمی و متنوع شدن ابزارهای درک و فهم بشر، می توان این دسته آیات را به گونه دیگری تفسیر کرد و فهم بهتری از این آیات بدست آورد. این مهم، در پرتو مکتب تفسیری علمی امکان پذیر شده است، مکتب و روشی که بی توجهی به بایدها و نبایدهای آن، مفسر را به بیراهه می کشاند و از هدف اصلی قرآن دور می کند. در صورت دقت در این رویکرد و پذیرش تمام ضوابط تفسیری، می تواند امروزه راهگشای فهم برخی از آیات قرآن شود و در سایه این روش آثار و برکاتی هم نصیب مسلمانان شود که شرح آن گذشت.

فهرست منابع

- قرآن کریم
- آلوسی، محمود: روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت: دار احیاء التراث العربی ۱۴۰۵-۳، ابو حجر، احمد عمر التفسیر العلمی للقرآن فی المیزان، بیروت دار المدار الاسلامی ۲۰۰۱.
- بابایی، علی اکبر: مکاتب تفسیری، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ج ۳، ۱۳۹۱.
- بکری، شیخ امین: التعبير الفني فی القرآن، بیروت، دار العلم ۱۴۱۴.
- پارسا، فروغ ۴: زمینه ها و انگیزه های تفسیر علمی، فصلنامه قرآنی بینات، قم، مؤسسه معارف امام رضا (ع)، شماره ۸، صص ۷۴-۶۷، ۱۳۷۴.
- جعفری، یعقوب، بی تا: تفسیر علمی قرآن در میان رد یا قبول، مجله میراث جاویدان، سال هشتم، شماره ۲، صص ۴۱-۳۵.
- خولی، امین: مناهج التجديد فی النحو و البلاغه و التفسیر الأدب، بی جا، دار المعرفة ۱۹۶۱.
- ذهبی، محمد حسین: التفسیر و المفسرون، بی جا، دارالکتب المدینه ۱۳۹۶.
- رضایی اصفهانی، محمد علی: تعامل قرآن و علوم، تهران، آثار دانشوران ۱۳۹۰.
-: درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، بی جا، اسوه ۱۳۷۵.
-: درسنامه روش ها و گرایش های تفسیری قرآن، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی ۱۳۸۲.
- زمخشری، محمود بن عمر: الکشاف عن حقایق التنزیل، بیروت، دارالکتب العلمیه ۱۴۱۳.
- سبوطی، جلال الدین: الاتقان فی علوم القرآن، دمشق، دار ابن کثیر ۱۴۱۶.
- شهرستانی، سید هبه الدین، بی تا: اسلام و هیئت، ترجمه سید هادی خسروشاهی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- طباطبایی، محمد حسین، : ترجمه تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۱۲، ۱۳۶۶.
- طنطاوی بن جوهری: الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم، بیروت، دار احیاء التراث العربی ۱۴۱۲.
- عک، خالد عبد الرحمن: اصول التفسیر و قواعد، بیروت دار النفائس ۱۴۱۴.
- گلشنی، مهدی: قرآن و علوم طبیعت، تهران، انتشارات مطهر ۱۳۷۵.
- مجلسی، ملا محمد باقر: بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی ۱۴۰۳.
- محتسب، عبدالسلام عبدالمجید: اتجاهات فی العصر الراهن، عمان، منشورات مکتبه النهضه الإسلامیه ۱۴۰۲.
- معرفت، محمد هادی، بی تا: التمهید فی علوم القرآن، قم: جامعه مدرسین.

دو فصلنامه علمی- تخصصی دانشگاه قم: سال یکم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۴، شماره پیاپی ۱

-: تفسیر و مفسران، قم، انتشارات تمهید ۱۳۹۱.
-: متن مصاحبه، مجله بینات، قم، مؤسسه معارف امام رضا (ع)، شماره ۴۴ صص ۷۷-۵۰، ۱۳۸۳.
- مکارم شیرازی، ناصر: قرآن و آخرین پیامبر، تهران، دارالکتب الاسلامیه ۱۳۴۹.
- مؤدب، سید رضا: مبانی تفسیر قرآن، قم، انتشارات دانشگاه قم ۱۳۹۰.
- نوفل، عبدالرزاق: القرآن و العلم الحديث، بیروت، دارالکتب العربی ۱۳۹۳.
- نیازمند، رضا: تفسیر قرآن کریم و علوم جدید، فصلنامه بینات، قم، مؤسسه معارف امام رضا (ع)، شماره ۱۰ صص ۴۷-۲۰، ۱۳۷۵.

